

## نکاتی پیرامون مقاله "ارتجاع و امپریالیسم"

فریدون

در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و در قسمت دیدگاه ها، نوشته ای با عنوان "ارتجاع و امپریالیسم" بقلم نسترن چاپ شده است و من به بعضی از مطالب مطرح شده در نامه اش اشاراتی دارم.

وی در ابتدای نوشته اش مطرح میکند که پدیده های اجتماعی ممکن است در آینده تغییر کند و با تکیه به همین برداشت مینویسد "....قصد من ورود به بررسی همه پدیده های اجتماعی نیست در اینجا فقط میخوام بطور موجز و بسیار مختصر جریان جنبش موسوم به جنبش سبز را بررسی کنم...." وی در این نوشته عملکرد و مواضع پنج نیرو و یا جریان فکری را در ارتباط با جنبش سبز بر میشمرد و هر کدام را با "....تحلیل شخصی...." مورد بازبینی قرار میدهد. ما هم بدلیل اینکه هنوز آینده فرا نرسیده است و آنچه که وی مطرح نموده است را باور و نگاه فعلی نسترن دانسته و به آن میپردازیم!

ایشان در مرحله نخست، ضمن بررسی نقش سپاه و نیروهای امنیتی در دوره انتخابات قبلی و اخیر ریاست جمهوری، نتیجه میگیرند که اینک سپاه بعنوان محور و قدرت اصلی در حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است و تلاش میکند همه ارکانهای حکومتی را که ولایت فقیه نیز به آن اضافه شده است را تحت رهبری خویش بکشاند و با تکیه به این نظریه می نویسد "....در جریان انتخابات دولت نهم و با تقلب سپاه، قوه مجریه عملاً توسط سپاه و نیروهای امنیتی، اداره کشور را به دست گرفت و با اعمال نفوذ و تقلب مجلس هشتم را در اختیار خود گرفت. در این مرحله هنوز بخشی از مجلس و وزارت اطلاعات تمام و کمال دلبخواه سپاه نبودند. در انتخابات مهندسی شده دولت دهم، سپاه از رهبر هم عبور کرد. با اظهارات رحیم مشائی، به نظر میرسد که سپاه در حال عبور از نظام است....!" شکی نیست که ایران در مرکز منطقه ای بحران زده قرار دارد و نیز بدلیل وجود حاکمیتی که حیاتش نماد بحران و بحران سازی است و نیز از سوئی دیگر لشکرکشی و نظامی شدن منطقه خاورمیانه توسط کشورهای امپریالیستی، ایران را و امیدارد اولاً برای حفظ موقعیت خویش در منطقه، دولتی را بر سر کار آورد که هم بتواند هر حرکت اعتراضی که در حال تشدید شدن بود را در داخل سرکوب و خفه کند و دوماً آمادگی آنرا داشته باشد تا بتواند در برابر هر هجوم خارجی ایستادگی نماید، و دقیقاً بر پایه همین سیاست بود که یک دولت نظامی- امنیتی را بر سر کار آورد. بنابراین در آن مرحله لازم بود فرد جنایتکاری بنام احمدی نژاد از صندوق انتخابات بیرون آید تا دولت نهم را با مختصات تعیین شده، تشکیل دهد. در دوره مذکور، سپاه پاسداران نه بعنوان عامل رهبری کننده بلکه به عنوان نیرو و بازوی رهبری! در تمامی بازیهای سیاسی نقش ایفا کرده و می کند. این بازو به دلیل ساختار قدرت در ایران حداقل تا زمانی که ولی فقیه زندگی جنایکارانه خویش را طی میکند، اندیشه ".... از رهبر عبور کردن.. " را نمیتواند در سر داشته باشد! چه رسد باینکه در فکر ".... جایگزینی رهبر با مجتبی یا مصباح یزدی...." هم باشد. بنظر من چنین تحلیلی از حاکمیت مذهبی و بغایت ارتجاعی که به ولی فقیه اش نقش خدایگان داده است، درست نیست! اتفاقاً رهبر! با تمامی قدرت در برابر دیگر جناح ایستاده است و اگر هم به دلایلی عقب نشینی می کرد ( که چرائی عقب نشستن را توضیح خواهم داد) باز این بازوی سرکوب یعنی سپاه و بسیج، چشم بسته همانند گذشته گله وار اوامر رهبری را می بایستی لبیک گوید. اگر که می بینیم اینجا و آنجا بعضی نارضایتی ها و اعتراضاتی در حد نق زدن در این ارگانهای سرکوب شنیده می شود، آن هم نه در بین فرماندهان ( که مطلقاً منتخب خامنه ای و غلام حلقه بگوش وی هستند) بلکه در محدوده نیروهای دست چندی هستند که نقش اساسی و چندانی (جز سرکوب و کشتار) در روند تغییر و تحولات اخیر نداشته و اساساً فاقد هرگونه حق اظهار نظر هستند. بنابراین موضع گیری خامنه ای را نباید ".... همراهی...." و از روی ".... اگراه...." ارزیابی کرد! خامنه ای با شناخت از روند خیزش توده ها و نیز

بخاطر جلوگیری از فروپاشی کلیت نظام، با قدرت تمام دستورکشتار توده های به جان آمده را صادر کرد، چرا که وی و همه نیروهای تشکیل دهنده جناح حاکم بخوبی از این مسئله آگاه بودند که لاشه بیجان اصلاحات در برابر مطالبات رو به گسترش توده های مخالف نظام قادر نخواهد بود پس از انتخابات، معترضین را به خانه هایشان بازگرداند چرا که بایستی پس از آن، به مطالباتشان که در این سی سال به دلیل عدم پاسخگویی بر روی هم انباشت شده است به طریقی پاسخ گوید. چیزی که اساساً با موجودیت نظام حاکم در تضاد آشکار است، چه در راس آن خامنه ای باشد چه موسوی و یا کروبی. اما عقب نشینی و عدم "همراهی" و "اکراه" خامنه ای در موضع گیری قاطع، زمانی صورت خواهد گرفت که در جبهه انقلاب، طبقه کارگرایران از تشکیلات حداقل سراسری برخوردار بوده و نیز زمینه های اعتصاب عمومی سراسری توسط وی در حال شکل گیری باشد، در آن صورت خامنه ای که هیچ!، تمامی رهبران، حامیان و طرفداران ریز و درشت جناح به اصطلاح اصلاح طلب فریبکار! درون و بیرون حاکمیت نیز به وحشت مرگباری دچار می گشتند. این پاسخی بود در رابطه با (چرائی عقب نشستن) که در بالا اشاره کردم.

ر مورد نظر دوم با ایشان موافقم. اما آنجائی که می نویسد "....اصلاح طلبان با هر انگیزه و طیف وسیعشان، حذف جمهوری (منظور نویسنده از حذف جمهوری، احتمالاً همان حذف جمهوری اسلامی میباشد) را به صلاح نمی بینند و معتقدند در صورت وقوع آن، گرداب حاصله همه ارکان و عناصر رژیم از جمله خود آنها را غرق خواهد کرد...." اصلاح طلبان نه در گذشته خواهان حذف جمهوری (حتی در حد فکروخیال) بودند و نه حتی زمانیکه شرایط سرنگونی اش فرا رسد! اتفاقاً تمامی هزینه دانششان بخاطر حفظ همین نظام اسلامی بوده و هست، چرا که رشته های کاملاً آشکار و قدرتمندی وجود دارد که هستی و نیستی شان را به این نظام الهی بنام جمهوری اسلامی گره میزند، موجودیت و حیات هر دو جناح در یک طلسم شیشه ای بنام جمهوری اسلامی نهفته است که این شیشه آغشته به خون، لحظه به لحظه در حال ترک برداشتن است و همین واقعیات موجود است که دقیقاً و به درستی نسترن نیز به آن اشاره نموده است، تا کنون جنایتکارانی چون موسوی را که ".... در سالهای نخست وزیریش سرکوب های وحشیانه ای بر مردم را شاهد بوده...." و میدارد تا به امروز "....اطلاع و دخالت خود در آن فجایع را انکار...." کند. بعبارتی دیگر تاکیدی است به باور او به آن سالهای خون و جنایت. به عقیده من دل نگرانی های اصلاح طلبانی نظیر موسوی و دیگر همفکرانش در رابطه با خطری که نظام را تهدید میکند، بسیار فراتر و عمیق تر از جناح حاکم است! دور شدن لحظه به لحظه موسوی در حد همین "....جنبش موسوم به جنبش سبز.. " گواه این ادعا است!

نسترن در پایان نامه با طرح و پیش کشیدن سئوالات بیشما، خواستار پاسخگویی هم شده است و خواننده ای همچون من با دیدن این همه سوال های غیر ضروری و متفاوت، و میماند که وی دنبال چه چیز است!! آیا بهتر نبود با ارائه یک ویا دو سوال مشخص و اساسی به خواننده کمک می کرد تا پاسخ درست و "....مستدل و روشنی برای همه آن ها...." بیابد؟ در سوال اول، نسترن از خواننده می پرسد: "....آیا مردم ژست همراهی صدای آمریکا با جنبش را می پذیرد؟...." بعقیده من گوش کردن به یک صدا و یا احیاناً خواندن نوشته ای دال بر تمایل و یا پذیرش آن نگاه و نظر از طرف خواننده نیست. نویسنده خود در مقاله اش قید می کند که این جنبش تمایلی به دخالت خارجی ندارد، و من نیز همانند وی باور عمیق دارم که مردم زحمتکش ما از درون و با اتکاء به نیروی خود مبارزه را به پیش می برد و این واقعیتی است که بر همگان روشن و آشکار بوده و نویسنده نیز به آن تاکید دارد. سئوالاتی دیگر از این قبیل که احتمالاً دیگران پاسخی برای آنها خواهند داشت. اما به سهم خود و در حد شناخت حداقل خود، تنها به یک سوال آن هم نه از جایگاه یک پاسخگو بلکه تنها نظرم را نسبت به آن ابراز می دارم.

وی سؤال می کند ".... آیا جنبش سرکوب میشود و تشکیلات زیرزمینی مسلحانه شکل خواهد گرفت؟...." این مسئله کاملاً واضح و آشکار است تا زمانیکه جنبش مردمی از یک پشتوانه قوی و سازمانگر برخوردار نباشد و مهم تر از همه موتور اصلی و تعیین کننده یک انقلاب مردمی یعنی طبقه کارگر حضور نداشته باشد، وقوع هر رویداد ناگواری را باید انتظار داشت. یکی از عوامل تعیین کننده در مبارزه ای که مردم در آن در حال تعیین و تکلیف کردن با حاکمیتی ضد انسانی و دیکتاتوری نظیر جمهوری اسلامی می باشند، گسترش و حضور فعالانه طبقه کارگر و رهبری آن برجانبش است که به آن قوام بخشیده و پیروزی را میسر می سازد. با این وصف می شنویم که هنوز این امر اتفاق نیفتاده و تنها زمزمه های حرکت های کارگری شنیده می شود در صف دشمنان چنان وحشتی ایجاد کرده که این روزها خواب و رویای آنان را به کابوسی هولناک مبدل ساخته است. حضور قاطع طبقه کارگر در این مبارزه، همچنین عامل بازدارنده ای خواهد بود که رژیم و نیروهای سرکوب را به عقب نشینی واداشته و قدرت سرکوب همه جانبه را تا حدود زیادی از آنان سلب می کند و نتیجه این عقب نشینی، خیل عظیم مردمی که به دلیل وحشت از سرکوب و وحشیانه رژیم، خانه نشین شده بودند، دوباره و این بار در اتحاد با صف کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه به میدان آمده تا وضع خویش را با رژیم آدمکش جمهوری اسلامی یکسره و تمام کنند. اینکه "....مردم در حال حاضر هنوز به سمت مبارزه مسلحانه گام نگذاشته اند...." بدین معنی است که جنبش هنوز در آغاز راه است و به عبارتی (توفان در راه است)! اما در روند مبارزه و همانطور که از نوشته نسترن هم میشود استنباط نمود، مردم ظرفیت و توان روی آوردن به مبارزه مسلحانه را، در شرایطی که زمانش فرا رسد، دارا هستند.

**تمامی جملات و یا کلمات داخل گیومه از دوست ما نسترن است.**

سپتامبر 2009